



نقش جنبش‌های اجتماعی در بروز بحران‌های امنیتی دهه آینده ج.ا. ایران

مصطفی ساوه درودی^۱

DOR: 20.1001.1.17358671.1398.18.67.1.9

محمد پناهی^۲

چکیده

جنبش‌های اجتماعی از زمان پیدایش تا امروز، از جایگاه خاصی در تغییرات اجتماعی-سیاسی برخوردار بوده و از سوی دیگر خود نیز از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأثیرات زیادی را پذیرفته‌اند. این جنبش‌ها به دلیل توانایی در جهت‌دهی به افکار عمومی، نقش اساسی در مراحل مختلف بحران ایفا می‌کنند. بحران‌ها می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و غیره بروز نموده؛ لیکن به‌طور کلی در دو گروه عمده اجتماعی و سیاسی با ماهیتی امنیتی طبقه‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین سؤال این تحقیق آن است که کشور در سال‌های آینده و در دهه پنجم انقلاب با چه بحران‌هایی از جانب جنبش‌های اجتماعی مواجه خواهد بود. محققان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی (با رویکرد اکتشافی) و تحلیل روند، به بررسی ابعاد موضوع پرداخته و نتایج حاصله را با نظرات جمعی از خبرگان حوزه امنیت ملی و مدیریت بحران‌های امنیتی در کشور از طریق مصاحبه، تطبیق و تکمیل نموده‌اند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، تراکم شکاف‌های اجتماعی طی دهه‌های اخیر در داخل، هم‌زمان با عوامل تقویت‌کننده منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث تبدیل شکاف به جنبش اجتماعی شده و شرایط را برای فعالیت جنبش‌های اجتماعی که به دنبال ایجاد تحولات بنیادی و ساختاری در تمامی سطوح جامعه ایران هستند، فراهم خواهد نمود.

واژگان کلیدی: جنبش اجتماعی، شکاف اجتماعی، بحران اجتماعی-سیاسی، بحران امنیتی، تحلیل روند.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی Mo_doroudi@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی (نویسنده مسئول) Mohammad.panahi@ut.ac.ir

جستار گشایی

در عصر جهانی شدن و هم‌زمان با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، جنبش‌های اجتماعی نیز در قالب بازیگرانی تأثیرگذار در کنار سایر بازیگران حوزه‌های سیاسی و اجتماعی پدیدار شده و در پی تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت‌ها و سازمان‌ها هستند. به همین دلیل است که شناخت این جنبش‌ها، نحوه شکل‌گیری، برنامه‌ریزی، کنشگری و تداوم آن‌ها اهمیتی حیاتی یافته است. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۸) جنبش‌های اجتماعی در فرآیند شکل‌گیری، اشکال و ماهیتشان تحولات زیادی داشته و از مهم‌ترین و مدرن‌ترین پدیده‌های دوره‌های اخیر بوده که به دلیل جذب بسیاری از افراد و افزایش حضور و مشارکت افراد در این جنبش‌ها، زمینه حرکت‌های جمعی و بحران‌ها و یا در نقطه مقابل، مهار آن را می‌توانند بر عهده گیرند. نقش دوگانه جنبش‌های مذکور در بحران‌زایی و بحران‌زدایی، برجسته‌سازی و کوچک‌نمایی، امیدزایی و امیدزدایی و غیره دست کم بر صاحب‌نظران این عرضه پوشیده نیست. (شهرام نیا، ۱۳۹۳: ۶۵) بحران‌های اجتماعی به‌طور معمول پیامد زنجیره‌ای از علل متنوع هستند که این تنوع و تعدد، شناسایی علل واقعی آن‌ها را بسیار مشکل می‌سازد (ابوالحسنی، ۱۳۹۴: ۱۵).

در گذشته این گونه بوده که دستگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی عمدتاً به کنترل و مراقبت بخش آشکار و رؤیت‌پذیر جنبش‌های اجتماعی می‌پرداختند و کنترل و چتر اطلاعاتی عمدتاً به بخش آشکارتر جامعه جنبشی که شامل جنبش‌هایی همچون کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و مانند آن‌ها می‌شود، پوشش داده شده و به‌طور نسبی مهار می‌شدند. لیکن جنبش‌های اجتماعی فعلی دارای ویژگی‌ها و خصلت‌هایی ازجمله رؤیت‌ناپذیری، شبکه‌ای بودن، استفاده از تمامی فضاها، خلأ و به‌ظاهر غیر مهم برای تحت اشراف و کنترل قرار دادن تمامی فضاها، مصادره گفتمانی، رسانه‌ای بودن و ... هستند که کار جامعه اطلاعاتی در کشف و خنثی‌سازی فعالیت‌های هدف‌دار ایشان را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، و اجازه رصد کردن، پیش‌بینی‌پذیر کردن و مهارپذیری آن‌ها را دشوار می‌سازد و نهادهای متولی کنترل و مراقبت یا جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها را همواره با غافل‌گیری و شکست مواجه می‌سازد (پورسعید، ۱۳۹۶: ۵۰).

باعنایت به مفاد مطروحه بالا، مسئله پژوهش حاضر، بررسی نقش جنبش‌های اجتماعی در بروز بحران‌های امنیتی دهه آینده در ج.ا.ایران است. این جنبش‌ها در صورت نبود مدیریت می‌توانند تبدیل به جنبش‌های سیاسی و در نهایت با هدایت جریان‌های اعتراضی به سمت ناامنی سیاسی و در اوج خود به بحران امنیتی منجر گردند. موضوعی که در این میان به دغدغه محقق تبدیل گردیده، بررسی شرایط خاص ج.ا.ایران و پیامدهای ناشی از تحولات گروه‌های سیاسی معاند و حتی گروه‌های سیاسی داخلی و گروه مخالف برانداز، به همراه فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای حریف، در کنار چالش‌های اجتماعی موجود در کشور برای سوارشدن بر موج بحران است که تلاش می‌شود این مهم در تحقیق حاضر مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

برای مدیریت بحران‌ها، مهم‌ترین مرحله پیش‌بینی و رصد وقوع آن‌هاست که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد و نظام حاکم را مجهز به اطلاعاتی می‌کند که می‌تواند در زمان مناسب پاسخ‌های مناسب برای کنترل بحران‌های ناشی از جنبش‌های اجتماعی بدهد. در صورت شناسایی نشدن میزان احتمال وقوع تهدیدهای ناشی از فعالیت جنبش‌های اجتماعی، نمی‌توان تهدیدات مرتبط را اولویت‌بندی و دسته‌بندی نمود و به دنبال آن، ساختارهای امنیتی و اطلاعاتی برای پوشش آن‌ها با موانع عملیاتی روبه‌رو خواهند شد. ضعف برنامه‌ریزی راهبردی برای مدیریت بحران‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی، باعث می‌شود سرمایه‌های مادی و معنوی نظام بجای قرارگیری در مسیر رشد، بالندگی و تحقق اهداف ملی، در جهت مهار بحران‌ها و فتنه‌های داخلی هزینه شود.

روش‌هایی که برای حل و فصل بحران‌ها در نظر گرفته می‌شود با حوزه‌ای که بحران به آن منتسب می‌گردد ارتباط معناداری دارد. چنانچه بین ابعاد بحران و روش‌های حل و فصل بحران تناسب وجود نداشته باشد ممکن است هر اقدامی موجب وخیم‌تر شدن اوضاع گردد. در حوزه جنبش‌های اجتماعی نیز، در صورتی که روش‌های پرداختن به آن‌ها متفاوت از ماهیت و جنس آن‌ها باشد، شاهد تشدید وضعیت بحرانی خواهیم بود.

تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال اصلی است که نقش جنبش‌های اجتماعی در بروز بحران‌های امنیتی دهه آینده در ایران چیست و این جنبش‌ها برای تبدیل شدن به بحران‌های امنیتی، چه روندی را طی می‌نمایند. با عنایت به اکتشافی بودن موضوع و قید آینده‌پژوهشی، از بیان فرضیه خودداری گردیده و پژوهش حاضر، فاقد فرضیه است. نوع تحقیق، تبیینی، از نظر ماهیت و تحلیل کیفی و از نظر هدف، در دسته‌بندی تحقیق‌های کاربردی (تصمیم‌گرا) به شمار می‌آید. این تحقیق از نظر اجرا و گردآوری داده‌ها روش اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری و مصاحبه با نخبگان و اخذ نظرات خبرگی است. در این تحقیق از روش تلفیقی و آمیخته استفاده گردیده و در همین راستا از روش آینده‌پژوهی مرتبط از جمله روش تحلیل روند (ابتدا روندها، رویدادها و پیش‌ران‌های گذشته مرور و سپس بر این اساس چشم‌انداز تحولات آینده جنبش‌های اجتماعی بررسی شده‌اند) و روش اکتشافی استفاده گردیده است.

در پژوهشی با عنوان "مدیریت جامع بحران‌های امنیتی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴" (با تأکید بر بحران‌های سیاسی-اجتماعی) "عمده‌ترین بحران‌های امنیتی فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ حول محور مسائل اقتصادی، سیاسی و نهایتاً دفاعی- نظامی ارزیابی شده و تکیه و تأکید اصلی بر مدیریت بحران امنیتی بوده تا خود عوامل و عناصر مؤثر در ایجاد و بروز بحران‌های اجتماعی و در این زمینه نیز به نقش جنبش‌های اجتماعی در بروز بحران‌های اجتماعی و به دنبال آن سیاسی و امنیتی، هیچ‌گونه اشاره‌ای

نگردیده است. در مقاله‌ای با عنوان "جهانی‌شدن، جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران" نشان داده فرآیند جهانی‌شدن بر جنبش‌های اجتماعی ایران مؤثر بوده و یکی از مهم‌ترین این تأثیرات، تقویت پیوند این جنبش‌ها با یکدیگر بوده است. "جنبش‌های اجتماعی در ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها" با ارائه نمائی آماری از تغییرات فرهنگی و ساختاری در ایران کنونی و بر مبنای تئوری ماردو دیانی، شکل‌گیری تضادهای هویتی و شبکه‌های غیررسمی حول آن تضادها بازشناسی شوند. این زمینه‌ها را می‌توان در چالش‌ها و مسائل زنان، حرکت‌های دانشجویی، مسائل قومی، دموکراسی خواهی، سبک‌های نوین زندگی و شکاف نسلی مشاهده نمود.

مسائل مطرح‌شده در باب علل و زمینه‌های بروز بحران‌ها به‌صورت کلی موردبررسی قرار گرفته و به عبارتی سعی گردیده تصویر و شمایی کلی از علل بروز بحران‌های امنیتی ارائه و شناختی کلی حاصل گردد و از سویی دیگر به بحث اختصاصی درباره جنبش‌های اجتماعی پرداخته‌شده و بررسی‌ای پیرامون آینده‌پژوهی نقش و تأثیر این جنبش‌ها بر مسائل سیاسی و به دنبال آن امنیتی، انجام نگردیده است.

باوجود پژوهش‌های داخلی که در ارتباط با موضوع جنبش‌های اجتماعی صورت پذیرفته، باید اذعان داشت که بسیاری از جنبه‌های فرصت‌محور و تهدیدزای جنبش‌های اجتماعی ازجمله نقش آن در بروز بحران‌های امنیتی ناشناخته و مکتوم مانده است. ازاین‌رو تحقیق حاضر به موضوع جنبش‌های اجتماعی و نقش آن در بروز بحران‌های امنیتی و تحلیل آن از دید صاحب‌نظران خواهد پرداخت تا با شناخت و درک این فرصت‌ها گامی برای استفاده حداکثری از ظرفیت جنبش‌های اجتماعی در جهت منافع جامعه بتوان برداشت و بتوان این اطلاعات و آگاهی‌های سودمند را متناسب با شرایط و ضوابط اجتماعی و سیاسی کشور در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان مورد استفاده قرار داد و هرچه بیشتر به ارتقای امنیت و بالا بردن ضریب کارایی سازمان‌های اطلاعاتی کشور قدم نهاد.

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

***جنبش اجتماعی**^۱: فرهنگ آکسفورد، جنبش اجتماعی را جریان یا مجموعه‌ای از کنش‌ها و تلاش‌ها از سوی مجموعه‌ای از افراد تعریف نموده که به شکلی کم‌وبیش پیوسته به سمت هدف خاصی حرکت می‌کنند، یا به آن گرایش دارند (Oxford, 1991: 473). دانشنامه علوم اجتماعی نیز آورده است: جنبش اجتماعی حرکتی است در جمع یا جامعه که موجبات دگرگونی معنادار در جامعه شده و به صورت‌های جنبش انقلابی یا اصلاحی شکل می‌گیرد (شفیعی، ۱۳۸۹: ۴۶). بشیریه معتقد است، جنبش اجتماعی عبارت است از گروهی که نسبت به عقاید و اهدافی وفاداری داشته باشند و برای تحقق آن دست به عمل بزنند (بشیریه، ۱۳۸۸: ۷۹). شاید در ساده‌ترین تعریف بتوان جنبش‌های اجتماعی را تلاش‌ها و کوشش‌های جمعی برای ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر تغییر و دگرگونی در یک جامعه یا گروه توصیف کرد (Wilson, 1991).

1. Social Movement

8:1973). در تعریفی دیگر دلاپورتا و دیانی^۱ جنبش اجتماعی را یک فرآیند متمایز اجتماعی تعریف می‌کنند که مشتمل بر سازوکارهایی است که بازیگران شرکت‌کننده در کنش جمعی به واسطه آن وارد روابط منازعه‌آمیز با رقبا و مخالفانی می‌شوند که دارای هویت روشن و مشخصی هستند و بازیگران جنبش از طریق شبکه‌های فشرده غیررسمی با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند و سرانجام این‌که جنبش اجتماعی دارای یک هویت جمعی متمایز است (Della porta and Diani, 2006:20). با توجه به تعاریف متعدد می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی، تلاشی جمعی داوطلبانه بخشی از انسان‌هاست که نسبت به شرایط زندگی و محیط آن معترض می‌باشند و تلاش می‌کنند با تغییر اخلاق، قانون، رفتار و ساختار اجتماعی، زندگی شایسته‌تری برای انسان و محیط زندگی فراهم آورند. جنبش اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان‌یافته‌ای درصدد برمی‌آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهد یا آن‌ها را حفظ کند (جلایی پور، ۱۳۹۱:۳۴). می‌توان چهار ویژگی اساسی که عمومیت بیشتری داشته و نزد اغلب نظریه‌پردازان مشترک است را به‌عنوان مشخصه برجسته جنبش‌های اجتماعی مطرح ساخت: ۱) شبکه‌های غیررسمی مبتنی بر ۲) اعتقادات مشترک و هم‌بستگی ۳) که از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض ۴) حول موضوعات منازعه‌آمیز بسیج می‌شوند. این ویژگی‌ها ما را قادر می‌سازند که جنبش اجتماعی را از اشکال گوناگون عمل جمعی که سازمان‌یافته‌تر هستند، مانند وقایع اعتراض‌آمیز موردی، جدا نماییم (Diani, 1992, 8).

* **مفهوم بحران امنیتی:** بحران‌های امنیتی، پدیده‌هایی هستند که متناسب با گستردگی و توانایی‌هایی که دارند، موجودیت نظام‌های سیاسی و نهادهای مستقر را به چالش کشیده یا به عبارتی سطحی از تهدید را متوجه نظام سیاسی می‌کنند. اصولاً قبل از هر چیز برای مقابله با هر تهدید لازم است که شناخت لازم از عمق، سمت و شدن آن به دست آوریم (عصیان نژاد، ۱۳۸۸:۳۱). همه بحران‌ها اعم از خرد و کلان و داخلی و خارجی چنانچه از حد متعارف خود خارج شده و قابلیت کنترل نداشته باشد می‌تواند پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت بر اقتدار و ثبات حکومت‌ها داشته و آن‌ها را در حوزه‌های مختلف امنیتی با مشکل مواجه سازد (ساوه درودی، ۱۳۸۵:۷۷). در بررسی مهم‌ترین علت تفاوت در این نوع تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به حوزه‌های تحقق بحران، شرایط زمانی و مکانی، حوزه‌های جغرافیایی، حوادث بین‌المللی، رخدادهای داخلی کشورها، شکل حکومت‌ها و... اشاره دارد. تجربه تاریخی از بررسی علت و چگونگی شروع بحران‌ها، حاکی از آن است که بسیاری از بحران‌ها درواقع شروعی کاملاً آرام داشته‌اند؛ اما با ازدست‌دادن زمان و بر اثر برخوردها، واکنش‌ها و تصمیم‌های نادرست به فرآیندی توفنده و در سطح داخلی و یا بین‌المللی تبدیل شده و امنیت ملی کشور را با خطر جدی مواجه ساخته‌اند (مرسلی، ۱۳۹۵:۶۴). بحران‌ها هرگز در یک قالب و یا یک شکل خاص ظهور نمی‌کنند و این یکی از دلایلی

1. Della porta and Diani

است که حکومت‌ها و تصمیم‌گیران را دچار مشکل می‌سازد و درواقع این امر خود بخشی از بحران حکومتی را به تصویر می‌کشد (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). این مشکلات می‌تواند ناشی از اقدامات براندازی باهدف سرنگونی نظام در قالب کودتا، گسترش اقدامات خرابکاری، ترور نخبگان سیاسی، شورش‌های اجتماعی و ناآرامی‌های حاصل از آن، تشدید عصبیت‌های قومی و نژادی و ... باشد که هر یک می‌تواند از عوامل بروز بحران‌های توفنده در یک کشور محسوب شود. برخلاف نظر برچر، یک بحران وضعیتی است که طی آن ارزش‌های محوری و منافع مهم کشورها تهدید می‌شود، میزان زمان موجود برای پاسخ دادن محدود است و درنهایت، دولت‌ها با وقوع حالت بحرانی، با اصل غافل‌گیری مواجه می‌شوند (برچر، ۱۳۸۲: ۴۲). بحران‌های امنیتی عمده‌تر در پی بی‌توجهی و گسترش بحران‌های اجتماعی- سیاسی و آسیب‌پذیری نظام حاکم با حوادث ضد امنیتی به وجود می‌آیند که در صورت عدم کنترل منجر به براندازی حکومت‌ها نیز می‌شوند. بحران‌های امنیتی معمولاً به شکل غیرمستقیم ظاهر می‌شود و در مراحل اولیه شکل‌گیری بر اساس زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی متکثری که دارد، مخفی هستند و در مراحل بالاتر و با گسترش آن، آشکار شده و ثبات نظام حاکم را زیر سؤال برده و امنیت ملی را هدف قرار می‌دهند. این موارد که تحت عنوان آسیب‌پذیری نظام حاکم از آن یاد می‌شود به اشکال مختلفی بروز می‌کند و حوزه‌های آن بسیار گسترده و شناسایی آن نیز سخت و مشکل است. اما مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ایجاد نارضایتی عمومی ناشی از فقر و تورم، بی‌ثباتی‌های اجتماعی- سیاسی، تظاهرات و راهپیمایی، اعتصاب، اغتشاش و شورش و ... بنابراین بحران‌های امنیتی به‌واسطه اینکه اساس نظام حاکم را با چالش مواجه می‌سازند چهره‌ای از نبود امنیت و ناامنی را در کشورها به نمایش می‌گذارند و فقدان امنیت، بازتاب ترکیب گونه‌ای از تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست که متمایز ساختن معنادار آن‌ها از یکدیگر ناممکن است (Lopez, 2014: 84).

* نظریه جنبش‌های اجتماعی

کانون توجه جامعه‌شناسی سیاسی، بنا به تعبیری، تغییرات اجتماعی است؛ بنابراین، نظریه‌پردازان آن از دیرباز به مسائلی چون ناآرامی‌ها، جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها به‌ویژه درباره علل رخدادها و نیز پرداختن به روند و پیامدشان به صورتی موجز و پراکنده توجه کرده‌اند. از دهه‌های اول قرن بیستم در پی تبیین انقلاب، تلاش‌هایی وسیع صورت گرفت تا ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی مربوط به چرایی و چگونگی وقوع چنین پدیده‌ای، برخی از دلایل رشد و گسترش آن آشکار گردد. نظریه‌های کلاسیک در تبیین چگونگی وقوع بسیج و پیدایی وضعیت انقلابی در پنج چشم‌انداز نظری شامل: نظریه مبارزه طبقاتی مارکس، همبستگی اجتماعی دورکیم، کاریزما و جنبش اجتماعی وبر، رئالیسم یا واقع‌گرایی سیاسی پاره تو و بالاخره نظریه روان‌شناسی فردگرایانه دوتوکویل جای گرفته‌اند (بشیری، ۱۳۸۸: ۲۱). گلدستون این

نظریه‌های کلاسیک را که عمدتاً به توصیف انقلاب‌های بزرگ پرداخته و درصدد شناسایی الگوهایی، به‌مثابه مشخصه‌های احتمالی تمام انقلاب‌ها بوده‌اند، در نسل اول نظریه‌های انقلاب اجتماعی قرار می‌دهد. این نسل تاریخ طبیعی انقلاب‌هاست که چگونگی رخداد یک انقلاب را از بعد تاریخی توصیف می‌کند. و تا جنگ جهانی دوم نظریه مسلط بوده‌اند. نسل دوم (۱۹۷۰-۱۹۵۰) تئوری‌هایی هستند که توسط کارکردگراها و روانشناسان مانند گراف جانسون، هانتینگتون مطرح‌شده و عمدتاً درباره عوامل مؤثر بر فعالیت‌های انقلابی نظریه‌پردازی کرده‌اند. گلدستون در نسل دوم نظریه‌های از توضیحات ناکافی پژوهشگرانی چون اسملسر، جانسون، دیویس و گر که می‌کوشیدند با الهام از انگاره نوسازی علت انقلاب و وقع آن را شرح دهند، انتقاد می‌نماید و سپس به آثار آیزنشتایت، پیگ، تیلی و اسکاکیل به‌مثابه رهیافت‌های ساختاری در نسل سوم نظریه‌ها اشاره کرده می‌گوید: ابعاد توضیحی نوینی چون ساختارهای دولت، روابط اقتصادی، رفتار نخبگان، ... در کانون تحلیل اینان قرار گرفت است. جان فورن^۱ به سه نسل فوق که گلدستون^۲ به آن‌ها اشاره کرده، نسل چهارمی از نظریه‌های انقلاب را افزوده است. به نظر وی این نسل از نظریه‌ها با فراتر رفتن از ساختارگرایی محض، توجه خود را به نقش‌هایی از فرهنگ و ایدئولوژی معطوف کرده‌اند (Habermas, 1996: 118).

نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی را نمی‌توان از تئوری‌های انقلاب تفکیک کرد. اول- هم‌پوشانی زیادی بین این دو نظریه‌ها وجود دارد و دوم- اساساً این دو پدیده ماهیت مشترکی دارند و لذا نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی از همین سنخ شناسی استفاده نموده‌اند. کارل لوزا^۳ تئوری‌های مطالعات جنبش‌های اجتماعی را در سه دسته مطرح کرده که عبارتند از: نظریه جنبش انقلابی (کلاسیک سنتی)، نظریه کنش‌های جمعی و نظریه بسیج منابع. دلاپورتا نیز معتقد است که در بررسی جنبش‌های جمعی می‌توان چهار دسته نظریه را مطرح نمود. به‌زعم او این نظریات عبارتند از: دیدگاه رفتار جمعی، فرآیند سیاسی، جنبش‌های اجتماعی جدید و دیدگاه بسیج منابع (دلاپورتا، ۱۳۸۷).

دیدگاه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی را در چهار رویکرد می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف - رویکرد رفتار و کنش جمعی به نمایندگی ترنر و کیلیان

ب - رویکرد بسیج منابع به نمایندگی زالد و مک کارتی

ج - رویکرد فرایند فرصت‌های سیاسی به نمایندگی تیلی

د - رویکرد جنبش‌های نوین به نمایندگی تورن و ملوچی

در این دیدگاه‌ها آلن تورن و آلبرتو ملوچی با طرح نظریه‌های هویت و شناخت، نگاه تازه‌ای به تبیین جنبش‌های اجتماعی داشته‌اند و شاید بتوان گفت این رویکرد از قدرت انطباق بیشتری با شرایط متحول

1. John Foran
 2. Goldston
 3. Karl Luza

ایران برخوردار است، زیرا از این منظر، جنبش‌های تغییرات اجتماعی را در سطح سامانه‌ای افزایش داده و یا با آن مخالفت می‌کنند (شفیعی، ۱۳۸۹: ۹۸).

جدول (۱) مقایسه رویکردهای چهارگانه تبیین جنبش‌های اجتماعی

رویکرد	نظریه	صاحب‌نظران	مفاهیم کلیدی	متغیر مستقل (اثرگذار بر جنبش‌های اجتماعی)	ایده (فرض) اصلی
کلاسیک	رفتار جمعی	لوین، تارد	انبوه خلق، سرایت اجتماعی	هیجان جمعی	انبوه خلق تحت تأثیر هیجان جمعی و احساسات، اقدام به رفتار جمعی می‌کند.
	جنبش انقلابی	مارکس، لینن	تضاد طبقاتی، رشد نیروهای تولید، استثمار، آگاهی طبقاتی	تضاد طبقاتی و آمادگی شریک دهنی	رشد نیروهای تولید و ناهماهنگی با روابط تولید، در کنار استثمار و آگاهی طبقاتی منجر به جنبش انقلابی می‌شود.
	کارکردگرایی انسجامی	دورکیم، مرتون	همبستگی اجتماعی، شرایط آنومیک	نابسامانی هنجاری	ضعف همبستگی اجتماعی شرایط را برای کنش‌های آنومیک و نهایتاً بسیج اجتماعی فراهم می‌سازد.
کنش جمعی	جامعه توده‌ای	هاورز، آرنست	اتمیزه شدن جامعه، سیاسی شدن نارضایتی	سست شدن پیوندهای جمعی	نوسازی و فروپاشی نهادهای سنت، منجر به ذره‌ای شدن و برقراری جنبش توده‌ای می‌شود.
	فشار ساختاری	اسملسر، جانسون	زمینه ساختاری، فشار ساختاری، باور تعمیم‌یافته، عوامل شتاب	عدم تعادل در سیستم اجتماعی	کارکرد نامناسب چندجانبه در جامعه و اثر شتاب‌زا به وقوع جنبش انقلابی می‌انجامد.
	محرومیت نسبی	دیویس، رابرت گر	ناکامی، پرخاشگری، توقعات ارزشی، قابلیت ارزشی	توقعات فزاینده و ناکامی	هرچه احساس محرومیت نسبی بیشتر باشد، احتمال مشارکت در خشونت سیاسی بیشتر است.
گزینش عقلانی	بسیج منابع	زالد، مک کارتی	هزینه، فایده، سازمان علایق، منابع	انتخاب عقلانی	هزینه و فایده مشارکت در یک رفتار جمعی به گرایش در جنبش‌های اجتماعی می‌انجامد.
	ساخت فرصت سیاسی	مک آدام، تارو	فرصت‌ها، توان سازمان، ساختار بسیج	ارتباطات و برنامه‌ریزی	الزامات و فرصت‌های سیاسی، جامعه را به سوی اشکال معینی از جنبش اجتماعی سوق می‌دهد.
	فرآیند سیاسی	تیلی، اولسون	منافع سازمان، بسیج فرصت / تهدید، مخازن کنش	منافع و سازمان‌دهی	توسعه فضاهای سیاسی و اجتماعی درون جامعه مدنی زمینه کنش‌های جمعی را فراهم می‌سازد.

رویکرد	نظریه	صاحب‌نظران	مفاهیم کلیدی	متغیر مستقل (اثر گذار بر جنبش‌های اجتماعی)	ایده (فرض) اصلی
جنبش‌های جدید	هویت و شناخت	تورن، ملوچی، هابرماس	معناسازی، هویت، گرایش‌های فرهنگی، سیاست فرهنگی	مدرنیته و هویت‌جویی	شرایط مدرنیته و تحول در نظام ارزشی و فرهنگی، جنبش‌های اجتماعی را مطرح می‌سازد.
	جامعه‌تثبیت ناشدنی	لاکلاو و موفه	هژمونی فرهنگی، گفتمان، موقعیت‌های سوژه، آنتاگونیسم	گفتمان هژمونیک	انتشار سریع موقعیت‌های نابرابر باعث مفصل‌بندی آن‌ها و ایجاد گفتمان جنبش‌های می‌گردد.
	نظریه شبکه‌ای	دیانی، کاستلز	شبکه‌های غیررسمی، فعالیت‌افزایی، فرقه تعامل	روابط شبکه‌ای و هویت	روابط میان کنش، هویت و سازمان در قالب جنبش‌های جدید ظاهر می‌شود.

● فرایند امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی

به‌طور کلی بحران‌ها می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و غیره بروز نموده و به دلیل ماهیت پویایی که دارند امکان تغییر شکل^۱، محتوی^۲ و کانون^۳ هر یک از آن‌ها به دیگری وجود داشته و با فعال شدن مجموعه‌ای از متغیرهای تأثیرگذار این روند به انجام می‌رسد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۳۸). این بحران‌ها اغلب در سلسله مراتبی پلکانی که از بحران‌های اجتماعی آغاز و پس از بحران‌های سیاسی به بحران‌های امنیتی ختم می‌شوند، قابل‌چینش هستند. به باور تعدادی از محققان، برای آن‌که مسائلی امنیتی تلقی شوند باید به‌عنوان تهدیدی وجودی تعریف شوند و این باور را ایجاد نمایند که به‌وسیله راه‌کارها، ابزارها و رویه‌های رایج و متداول سیاسی نمی‌توان آن را مدیریت و مرتفع ساخت. نتایج مطالعات گوناگون نشان می‌دهند امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی در جوامع گوناگون یکسان نبوده و تحت تأثیر متغیرهای کلانی چون نظام سیاسی حاکم، فرهنگ امنیتی و آستانه تحمل دولت‌ها بوده و در اساس عملی پیچیده و تا حد زیادی زمینه‌محور و حاصل نظام ادراکی نخبگان سیاسی و امنیتی کشور است. (شهرام‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۸).

امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی، شامل دامنه وسیعی از کنش‌ها و رفتارهای جمعی است که هدف همه آن‌ها به چالش کشیدن نظم مستقر، ایجاد اختلال در فرایند زندگی عادی و ایجاد احساس ناامنی در گروه‌هایی از شهروندان است. مهم‌ترین اشکال کنش‌های جمعی بحران‌زا، تحصن اعتراض‌آمیز، راهپیمایی اعتراض‌آمیز، تظاهرات خشونت‌آمیز، غوغا، شورش‌های جمعی و جنگ داخلی برشمرده شده است. این رفتارها جزئی از دامنه وسیعی به نام برخوردهای خشونت‌آمیز هستند که در فرایند امنیتی شدن بحران‌ها

1. Form
2. Content
3. Focus

نقش اساسی ایفا می‌کنند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱). نوع بحران، ظرفیت نظام سیاسی و امنیتی کشور، میزان جدی بودن تهدیدات ناشی از بحران در کنار بازیگران مؤثر در بحران، منطقه و بافت جغرافیایی محل وقوع بحران، میزان برخورد‌های خشونت‌آمیز در بحران، روش‌های مدیریت بحران، تعدد و تنوع مسائل چالش‌برانگیز، متغیرهای ساختاری و بالاخره سطح تلاطم محیط از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر فرایند امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی هستند (تاجیک، ۱۳۸۴، ۳۹).

از آنجایی که تعریف دقیق کمی و کیفی برای بحران ممکن نیست، معمولاً پژوهشگران بر نشانه‌های بحران تکیه می‌کنند؛ اما این نشانه‌ها ممکن است از بحران پنهان چیزی به دست ندهند. بحران‌ها تهدیدهای همه‌جانبه و یک‌طرفه‌ای نیستند. در مواردی تهدیدها علیه مناسبات و ساخت قدرت فاسد شکل می‌گیرند. بحران و تهدید دو مقوله متمایزند. در تشخیص بحران باید جنبه سرعت، همه‌گیری، انگیزه‌مند بودن، سازمان و رهبری هرچند اندک را مورد توجه قرار داد. مقوله‌های اعتصاب، تظاهرات، فعالیت زیرزمینی، اغتشاش و طغیان با یکدیگر تفاوت دارند. این‌ها می‌توانند جلوه‌هایی از بروز بحران باشند، گرچه طبقه حاکم به‌عنوان برچسب‌زنی گاه از کنارشان می‌گذرد (کلاهیجان، ۱۳۸۹: ۵۴).

تقلیل انگیزه‌ها و علت‌های بروز ناآرامی، شورش، بحران و نظایر آن به عوامل مجزا و خرد، کار درستی نیست زیرا نمی‌تواند ساختارها و سازوکارهای برون‌رفت از آن را کشف و بررسی کند. اما می‌توان و خوب است که در پرتو تحلیل کلیت ساختار اجتماعی اقتصادی، قانونمندی بحران را در مکان و تاریخ خاص بیان کرد و سپس عوامل اصلی را که به‌وسیله آن ساختارها برانگیخته می‌شوند، شناسایی و در انتها عوامل مشخص را برای بحران‌های خاص معرفی کرد. عوامل اصلی زاینده از سازوکارهای نظام بحران‌زاکه به‌صورت پل ارتباطی زمینه‌های بحران را توسط جنبش‌های اجتماعی مهیا می‌سازند عبارتند از:

* اختلاف طبقاتی، که می‌تواند باوجود کاهش فقر و محرومیت مطلق پدید آید. اعتصاب‌های کارگری، حرکت‌های تند و ناآرامی و بلوای‌های تهیدستان شهری و تظاهرات نمایندگان روشنفکری و تحصیل‌کرده‌ها شکل‌های بروز متفاوتی دارند، اما همه آن‌ها می‌توانند از اختلاف طبقاتی، فشار بر زندگی مردم، تورم‌های ناشی از سیاست‌های نادرست و جهت‌دار، فساد، بهره‌کشی و جز آن ناشی شوند. (نصرتی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۴).

* مشکلات و تعارض‌های سیاسی که عمده‌ترین آن‌ها مخالفت اساسی دولت‌ها با خواست‌های رشد‌یابنده سیاسی مردم است.

* تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی اساسی مانند درخواست‌های مربوط به حقوق اجتماعی، خدمات رفاهی، نیازهای فرهنگی و قومی، تنش‌های ناشی از محرومیت جوانان و زنان و جز آن سازنده‌های اصلی بحران‌اند. اما این محرومیت‌ها نسبی‌اند و بسته به شرایط تاریخی و اجتماعی تغییر می‌کنند (رضاپور قوشچی، ۱۳۹۳: ۸۱).

در این بخش از نظریه نیل اسملسر جامعه‌شناس معاصر در کتاب نظریه رفتار جمعی، برای تبیین موضوع استفاده می‌شود. از نظر اسملسر، فقدان هم‌بستگی و نبود تعادل کلی در سطح فردی موجب پیدایش فشار روحی و اضطراب می‌گردد. در این شرایط احتمال وقوع انواع رفتار جمعی مانند شورش، جنبش اجتماعی، ترس‌های جمعی و انقلاب افزایش می‌یابد. در نتیجه پیدایش فشار روحی، اضطراب و نبود تعادل، نارضایتی نسبت به عملکرد نهادهای مستقر افزایش می‌یابد و مردم در آرزوی وضعی بهتر دست به خیال‌پردازی می‌زنند. همین فعالیت منبع تکوین ایدئولوژی است به‌ویژه افرادی که واجد هم‌بستگی اجتماعی چندانی نیستند، برای حل دشواری‌های موجود اندیشه‌های جدیدی پیش می‌نهند، با تحول ساختاری نوسازی، هیجان‌های جمعی مانند آشوب‌های عمومی و ازدحام شکل گرفته و جنبش‌های اجتماعی بر اساس اعتقادی جدید دست به بسیج می‌زنند که بر طبق آن این شرایط در شش مرحله صورت می‌گیرد و هر مرحله نقش ویژه‌ای در مشخص نمودن نتیجه ایفا می‌کند:

۱- آمادگی ساختاری: همان نبود تعادل میان تحول ساختاری و هم‌بستگی اجتماعی است. این عامل به انواع گوناگونی از رفتار جمعی مانند هیجانات جمعی می‌انجامد. مثال: در جوامعی که ابراز اندیشه، عدالت‌خواهی، اعتراضات، مبارزه سیاسی و ... ممنوع است بیان خودانگیخته قوای حسی هیجانی و فکری افراد محدود می‌شود و زمینه برای پرورش رفتار خودانگیخته فراهم می‌شود.

۲- فشارهای ساختاری: ناشی از نوسانات بازار، جنگ و منازعات اجتماعی است که عامل اول را فعال می‌کند. هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود مردم اغلب برای پیدا کردن راه‌حلی پذیرفتنی به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. مثال: زمانی که در جامعه‌ای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحمل‌ناپذیر می‌شود مردم به بحث می‌پردازند و راه‌حلی ارائه می‌دهند. از طرفی در چنین وضعی اکثر افراد دچار تعارض‌های روانی ناشی از واپس‌زدگی می‌شوند و آن‌ها را دچار ناراحتی‌های روانی که منجر به سرپیچی از نظم حاکم می‌شود می‌کند. در نتیجه زمینه را برای دست زدن به اقدامات قهرآمیز در آینده فراهم می‌سازد. یأس و ناامیدی جامعه در مورد اصلاح‌پذیری یک نظام سیاسی نوعی فشار ساختاری است.

۳- پیدایش اعتقاد عمومی: به فعالیت اعضای جنبش معنی می‌دهد و زندگی موجود را نامطلوب قلمداد می‌کند و امید شرایط بهتری را ترسیم می‌کند. قبل از اینکه راه‌حلی دست جمعی برای یک مسئله یافت شود باید همه بپذیرند که چنین مسئله‌ای وجود دارد؛ بنابراین مسئله باید شناخته شود؛ افکار عمومی به آن توجه کنند و راه‌حل‌های ممکن برای آن ارائه شود که این مهم توسط جنبش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. مثال: هنگامی که قدرت اقتصادی دولت تحلیل می‌رود و هیچ اصلاحی صورت نمی‌گیرد، جامعه درمی‌یابد که قدرت مادی دولت برای مقابله با این دشواری‌ها افول کرده است. چنین جامعه‌ای دچار

یأس در بهبود اوضاع شده و جامعه به این نتیجه می‌رسد که از راه‌های سیاسی یا شیوه قهرآمیز حکومت را تحت فشار قرار دهد.

۴- عوامل شتابزا: عبارتند از حوادث و وقایعی که عوامل پیشین را فعلیت می‌بخشند. برای ظهور رفتار جمعی باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وادارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه مبالغه‌آمیز می‌شود و در نتیجه به صورت چشم‌گیرتری جلوه می‌کند. مثال: وقتی در تظاهرات (مثلاً بر ضد گرانی ارزاق عمومی) چند نفر توسط پلیس کشته یا دستگیر می‌شوند این خبر در سراسر جامعه می‌پیچد و روح اعتراض همگان برانگیخته می‌شود و این حادثه چاشنی یک انفجار مهیب می‌گردد.

۵- بسیج برای عمل: در این مرحله با توجه به عوامل گذشته، شرایط ورود نیروها بر اساس یک سازمان‌دهی محقق می‌شود. هنگام رویداد شتاب‌دهنده گروه برای اقدام بسیج می‌شود و چون اعضای آن با شتاب گردآمده‌اند بسیار بی ساختار است و بافت منسجمی ندارد.

۶- فقدان کنترل اجتماعی: ضعف دولت در اعمال زور، سرکوب و... یک حرکت را گسترش می‌دهد، بنابراین ماهیت سیستم کنترل‌کننده خیلی تعیین‌کننده است. موفقیت یا نبود موفقیت تلاش‌های جمعی افراد عمدتاً به موفقیت یا شکست مکانیسم‌های کنترل اجتماعی ازجمله پلیس، دولت و رسانه‌های همگانی با هم نتیجه رفتار جمعی را تعیین می‌کنند. وجود این مراحل بنا به گفته اسملسر یکی پس از دیگری ضروری است. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۸)

در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که جنبش‌های اجتماعی طی فرآیندی چندمرحله‌ای، ازجمله متمرکز شدن روی مطالبات عمومی و نارضایتی‌های مردمی و تبدیل آن مطالبات به اغتشاشات و در ادامه تبدیل اغتشاشات به شورش، درنهایت می‌توانند در صورت تخصیص با نظام حاکم و تعارض منافع جدی و همچنین حمایت‌های خارجی و گروه‌های گروه مخالف، به سمت تلاش برای براندازی قدم خواهند نهاد. (محقق) داده‌ها و تحلیل یافته‌های پژوهش

پیچیدگی پدیده اجتماعی مورد مطالعه موجب می‌شود که محقق از چند روش استفاده نماید. این تحقیق از نظر اجرا و گردآوری داده‌ها روش اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری و مصاحبه با نخبگان و اخذ نظرات خبرگی بوده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع و محدود بودن جامعه آماری (صاحب‌نظران و نخبگان امنیتی که در زمینه جنبش‌های اجتماعی دارای زمینه لازم، دارای مدرک حداقل کارشناسی ارشد و به بالا بوده و حداقل ۱۰ سال در این امور سابقه کار داشته باشند)، جامعه آماری تحقیق حاضر را عناصر با ویژگی‌های ذکرشده در مراکز مطالعاتی، دانشگاهی و همچنین سازمان‌های امنیتی در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر باعنایت به دسترسی محدود به جامعه آماری ذکرشده به دلیل مسائل امنیتی و محدودیت‌های موجود، کل جامعه آماری به صورت تمام شمار به عنوان

حجم نمونه در نظر گرفته شده‌اند. لیکن با نگرش به بررسی ابعاد موضوع به صورت مصاحبه از نخبگان جامعه آماری ذکر شده، موضوع تا حد اشباع نظری و افتناع محقق صورت پذیرفته است. بنابراین حجم نمونه به صورت هدفمند و از نوع اشباع نظری بوده است. حجم این نفرات که شامل نخبگان مرتبط با موضوع می‌باشند (افراد دوجبه‌ای که در هر دو زمینه جنبش‌های اجتماعی و بحران‌های امنیتی صاحب نظر باشند). ۱۵ نفر تخمین و مصاحبه به صورت نیمه‌باز انجام گردیده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق نیز کیفی (استدلالی و تفسیری) است. با عنایت به این که یکی از راه‌های تعیین روایی، روایی صوری است که از ارزیابی اساتید و صاحب نظران جهت تعیین روایی استفاده می‌شود، انجام مصاحبه‌های تخصصی و بهره‌گیری از نظریات راهبردی نخبگان موجب تقویت روایی این تحقیق خواهد شد. استفاده از نظرات صاحب نظران و خبرگان مرتبط با موضوع و مستندات دست‌اول (مصاحبه‌های عمیق در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد) به افزایش پایایی تحقیق کمک می‌کند. با توجه به نوع تحقیق که از نوع کیفی است برای پایایی این تحقیق از

فرمول هولستی استفاده گردیده است: $PAO = 2A / (nA + nB)$

پایایی از طریق فرمول هولستی برحسب درصد توافق محاسبه شده:

$A =$ تعداد مؤلفه‌های مشترک مورد تأیید دو نظریه دهنده خبره.

$nA =$ تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبر اول.

$nB =$ تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبر دوم.

که در این فرمول POA به معنی درصد توافق مشاهده شده، A تعداد توافق‌های بین دو کدگذار، nA و nB به ترتیب تعداد واحدهای کدگذاری شده از سوی کدگذاران A و B است. این رقم از صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است.

پس از انجام مصاحبه و اخذ نظر نخبگان و کارشناسان مرتبط با حوزه جنبش‌های اجتماعی و مدیریت بحران‌های امنیتی در کشور، نقطه نظرات هریک از مصاحبه‌شوندگان احصاء شد که عبارتند از:

همه مصاحبه‌شوندگان به اجماع سیر بحران‌های اجتماعی پیش روی جمهوری اسلامی ایران طی دهه پنجم انقلاب را صعودی دانسته‌اند. ایشان تمرکز تهدیدات آتی و محوری‌ترین تهدیدات ج.ا. ایران را بحران‌های اجتماعی دانسته که می‌توانند چالش و پاشنه آشیل کشور باشند. هویت اجتماعی انقلاب از عواملی نظیر ناکارآمدی نظام در برخی از حوزه‌ها (این موضوع با مشروعیت نظام نیز ارتباط تنگاتنگی دارد)، فساد برخی از مسئولین، اشرافی‌گری، شکاف نسلی، تقابل بین سنت و مدرنیته و... تأثیر پذیرفته که باعث گردیده با تمرکز تهدیدات نرم دشمن و غفلت‌های اطلاعاتی احتمالی در آینده، وقوع بحران‌هایی از جنس فعالیت جنبش‌های اجتماعی در آینده قطعی به نظر رسیده، به طوری که تمرکز کشور بایستی بر پیش‌بینی و

جلوگیری از بروز این نوع جنبش‌ها باشد.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان بحران‌های امنیتی محتمل در ده سال آینده را از نوع اجتماعی به سردستگی و رهبری جنبش‌های اجتماعی دانسته و عامل اصلی آن را نیز عواملی نظیر تحریکات گروه‌های قومی، تضاد طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی دانسته و فرسایش سرمایه اجتماعی و از میان رفتن هم‌بستگی اجتماعی را ریشه اصلی بحران‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی نیز نقش رهبری و سازمان‌دهی را برای جنبش‌های اجتماعی برعهده گرفته‌اند.

در پاسخ به میزان و زمینه بحران‌های امنیتی محتمل، نظرات مصاحبه‌شوندگان در دو دسته کلی تقسیم می‌شود: الف) گروهی که بحران‌های امنیتی را، وجه تکامل یافته بحران‌هایی با خواستگاه اجتماعی دانسته که به علت نبود کنترل و مدیریت این بحران‌ها، سیاسی و امنیتی می‌شوند. ب) گروهی که ریشه بحران‌های امنیتی را، مناقشات سیاسی و تحریکات بیرونی با اهداف ضد امنیتی می‌دانند. بحران‌های اجتماعی چند ویژگی دارند و برای درک بحران‌های موجود این ویژگی‌ها باید شناخته شوند. در مرحله اول باید وجود، بروز و ظهور بحران را از یکدیگر تفکیک کنیم زیرا به‌طورمعمول نهادهای سیاسی و امنیتی، زمانی از بحران اجتماعی سخن می‌گویند که بحران در نقطه ظهور قرار گرفته و در یک عرصه خود را به سطح کشانده و بروز یافته باشد. این نوع درک از مسئله، نظام‌های سیاسی را با تلقی غلط و برداشت‌های نادرست از وجود بحران‌ها روبه‌رو می‌سازد، زیرا همواره در لایه‌های پایین اجتماعی بحران‌های متعددی وجود دارد که در سطح بروز نیافته یا در شرایطی خاص بروز پیدا می‌کنند.

ازجمله عواملی که می‌توان جزء آشوب‌های نوین و مؤثر بر جامعه ایران برشمرد، ظهور پدیده‌هایی مانند ناهنجاری‌های اجتماعی، ناامنی‌های روانی، تظاهرات مخالف با فرهنگ و مظاهر مورد نظر تبلیغ‌شده از سوی حکومت، وجهه سیاسی یافتن رفتارهای فرهنگی مغایر، بحران هویت در سطوح و طبقات مختلف اجتماعی و پیدایی هویت‌جویی‌های نوین قومی است. تمامی مصاحبه‌شوندگان میزان و احتمال بروز بحران‌های امنیتی به دلیل بحران‌های اجتماعی موجود ازجمله سست شدن ارزش‌های حاکم بر جامعه، شکاف‌های بزرگ اجتماعی، شکاف نسلی، مدرنیته و انقلاب سایبری در کنار عوامل سیاسی ازجمله شکاف میان گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان‌های سیاسی نوظهور، را دلیل اصلی بروز بحران‌های امنیتی در دهه آینده در کشور دانسته‌اند. جنبش‌های اجتماعی انواعی دارند که ازجمله آن‌ها جنبش‌های هنجاری (مسائل آن‌ها در درون نظام حل‌وفصل شده و می‌توان با این نوع جنبش‌ها کنار آمد؛ چراکه خواسته‌هایشان درون نظام است و نظام هم بایستی ظرفیت‌هایی داشته باشد که این جنبش‌ها را درون خود جذب نماید) و جنبش‌های ارزشی (بر نظام) هستند. اگر جنبش‌های اجتماعی هنجاری به‌درستی کنترل نشوند، بر اساس نظریه اسملسر که آخرین مرحله انقلاب را نبود کنترل اجتماعی می‌داند، این جنبش‌ها می‌توانند به

جنبش‌های ارزشی (بر نظام) تبدیل شوند که در درون نظام حل و فصل نشده و چالش برانگیز هستند که در وضعیت فعلی و در آتی این اتفاق در حال وقوع بوده و شایسته است نظام، انعطاف بیشتری از خود نشان داده و با مشاهده واقعیات، متناسب با روندهای موجود و جاری کشور و روند جهانی تصمیم بگیرد به عنوان نمونه، در جامعه مشکل اقتصادی وجود دارد و مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند؛ در اینجا شایسته است با مردم همراهی کرد و به آن‌ها اجازه حق اعتراض و زدن حرفشان را داد تا به نوعی تخلیه شوند. لیکن اگر مردم و آحاد جامعه حق بیان مطالبات به حق خود را نداشته باشند، این موضوع سبب بدبینی ایشان به نظام و کارآمدی و در ادامه مشروعیت آن می‌شود. بنابراین حق بیان اعتراض و انعکاس دغدغه‌های مردمی و از طرفی در واقعیت نیز نشان دادن حسن نیت نظام برای رفع آن نارضایتی‌ها دو راهکار برای مقابله با این بحران‌های برخاسته از فعالیت جنبش‌های اجتماعی است.

نتیجه و پیشنهاد

یکی از تأثیرات جهانی شدن ارتباطات در ایران، تغییر در ارزش‌های جامعه است. در یکی دو دهه گذشته به نظر می‌رسد ارزش‌های فراماتریالیستی همچون آزادی، حقوق بشر، حفظ کرامت انسانی و زندگی مطلوب و فردگرایی و حقوق شهروندی در حال شکل‌گیری است و در مقابل ارزش‌هایی چون ارزش‌های مذهبی و جمع‌گرایی سنتی روزه‌روز در جامعه جایگاه خودش را از دست می‌دهد. همچنین در جامعه ایران، جهانی شدن در ابعاد مختلف آن موجب تحول در ترکیب جمعیتی، گسترش شهرگرایی، تحول در فرهنگ و ارزش‌های عمومی، تحول در ساختار طبقاتی جامعه و به تبع آن ظهور طبقه جدید شده که در این راستا جوامع در حال گذار همچون ایران، استعداد بیشتری برای تولید شکاف‌های اجتماعی خواهد داشت.

جنبش‌های اجتماعی، خلق‌الساعه و به یک‌باره رخ نمی‌نمایند؛ بنابراین، در بروز، تحریک و تشدید بحران‌های امنیتی تأثیرگذار هستند. سمت و سوی جنبش‌ها در نوع تغییر، شیوه بازیگران، کارکرد دولت و نحوه مقابله با آن بستگی دارد. میزان ناکارآمدی نظام سیاسی، سطوح بازیگران جنبش اجتماعی، نوع پذیرش یا نپذیرفتن ناکارآمدی، تداوم یا نبود تداوم آن، هم‌افزایی موضوع‌ها با یکدیگر به نوع ورود عمل اخلاک‌گر یا خارجی در گسترش آن دارد. اگر جنبش‌ها از نارضایتی‌های عمومی گذر کنند وارد فاز بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی خواهند شد. نقش‌های دیگر جنبش‌های اجتماعی شامل: شکل‌دهی به افکار عمومی، بزرگ‌نمایی مسائل و مشکلات کشور، افزایش حجم نارضایتی و بحران‌های اولیه با جهت‌دهی به آن و ... است. ماهیت وجودی جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش زنان با گرایش‌های فمینیستی، جنبش کارگری، جنبش سبز و ... در ابتدا تحریک و ایجاد تسریع در منازعات مختلف است. در این زمینه نقش جنبش‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان تسریع‌کننده یا پیشران جدی در مواجهه با معضلات یا مسائل امنیتی بروز و ظهور نماید.

امروزه با وجود شبکه‌های اجتماعی و پیوند نزدیک ارتباط بیان اعضاء، تأثیرگذاری جنبش‌ها بر بحران‌های امنیتی توجه برانگیز است. انگیزه‌های بحران ممکن است اجتماعی مشخص، اجتماعی عمومی، فقری،

فرهنگی، دینی، سیاسی، اقتصادی یا واکنشی باشند. اما بحران‌ها ممکن است این انگیزه‌ها را به یکدیگر تبدیل یا باهم ترکیب کنند. از میان عوامل اصلی که از سازوکار نظام بحران‌زا بیرون می‌آید، اختلاف طبقاتی، خواست‌های اقتصادی، مشکلات و تعارض‌های اجتماعی مهم‌ترند. این عوامل ممکن است ناگهانی کار کنند یا آشکار و پنهان بحران را ریشه‌دار و گسترده سازند. در دنیای امروز اگر حکومت‌ها نتوانند با مدیریت‌های مقتدر و مردمی با بحران مقابله و از آن پیشگیری کنند آن را به دست عوامل محرک خارجی یا عوامل سوءاستفاده گر می‌سپارند که آن‌ها نیز از ناآگاهی‌ها بهره می‌برند.

اگر نظام خود را در برابر خواسته‌های جامعه انطباق ندهد، به چالش و بحران برخواهدخورد، چراکه تغییرات ارزشی به‌شدت در حال اتفاق افتادن است. برای مدیریت جامع بحران‌ها مهم‌ترین مرحله که نقش تعیین‌کننده در کنترل بحران‌ها دارد پیش‌بینی و رصد وقوع آن‌هاست که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد. بر این اساس پیش‌بینی و آینده‌نگری، نظام حاکم را مجهز به اطلاعاتی می‌کند که می‌تواند در زمان مناسب، جایگاه مناسب خود در کنترل و مهار بحران‌ها پیدا کند. مطالعات آینده‌نگر در پیش‌بینی بحران‌ها باید مبتنی بر تفکر و تحلیل گذشته‌نگر، بررسی دقیق وضع موجود، کثرت‌گرایی در پیش‌بینی‌ها، سناریونویسی و توجه به معیارهایی از قبیل اعتبار مدل‌ها، دقت اطلاعات و دقت در پیش‌بینی‌ها استوار باشد. جنبش‌های اجتماعی فعلی دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های مشخصی ازجمله رؤیت‌ناپذیری، شبکه‌ای بودن، استفاده از تمامی فضاهای خلأ و به‌ظاهر غیر مهم برای تحت اشراف و کنترل قرار دادن تمامی فضاها، مصادره گفتمانی، رسانه‌ای بودن و ... هستند که کار جامعه اطلاعاتی را در کشف و خنثی‌سازی فعالیت‌های هدف‌دار آن‌ها، با مشکل روبه‌رو می‌سازد و اجازه رصد کردن، پیش‌بینی پذیر کردن و مهار پذیری آن‌ها را دشوار می‌سازد و نهادهای متولی کنترل و مراقبت یا جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها را همواره با غافل‌گیری و شکست مواجه می‌سازد.

در دی‌ماه ۱۳۹۶ این موضوع آشکار بود که مشکلی رخ داده، لیکن دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غفلت کرده و اجازه دادند تا زمانی که حادثه اتفاق افتاده و از طریق برخوردهای انتظامی و امنیتی و با هزینه بالا با آن برخورد کردند. لیکن اگر کشور همان زمان (یک سال قبل از وقوع) پیش‌بینی موضوع نارضایتی و فشارهای وارده اقتصادی به مردم مال‌باخته - که افراد زیادی تحت‌الشعاع صندوق‌های مالی و اعتباری بوده‌اند- (افراد مال‌باخته به همراه خانواده‌هایشان) و اگر از قبل این تدبیر انجام می‌شد که مسئولان پاسخ‌گو بوده و جلوی ناکارآمدی را می‌گرفتند و رضایتمندی اجتماعی و درنهایت مشروعیت نظام را که با این موضوع گره خورده بود، ایجاد می‌کردند. در حوزه‌های امنیتی و سیاسی، مدیریت بحران با همه فراز و نشیب‌هایش ساده‌تر است، لیکن در سطحی که با مطالبات به‌حق مردم و جامعه روبه‌رو است، به علت اینکه مخاطب بحران‌ها، عامه و آحاد جامعه و به اصلاح افراد کف جامعه هستند، کشور با

مشکلات عدیده و مطالبه‌گری به‌حق و بالاتری روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای مهار این بحران‌ها، پاسخ‌گو نمودن مسئولین است. دستگاه امنیتی وظیفه اجرایی ندارد؛ لیکن می‌تواند سازمان‌ها و نهادهای مربوط را پاسخ‌گو نمایند. سازمان‌هایی مانند صداوسیما بر اساس برآورد و پیمایشی که انجام داده‌اند، همچنان دارای مخاطب و جامعه هدف بوده که در همین راستا نظام بایستی از این ظرفیت استفاده و به‌نوعی مطالبات و خواسته‌های مردم را که به‌حق نیز هستند پوشش داده و از این فرصت ارزشمند که (تا زمانی که ریزش مخاطب ندارد) استفاده نموده و کشور فضای بازی را به‌صورت کنترل‌شده ایجاد نماید که مردم و جامعه احساس نمایند که حرف‌هایشان شنیده می‌شود و دلگرم بشوند. کشور نیاز دارد که امید مردم را به آینده افزایش دهد. چراکه ناامیدی منشأ بسیاری از آسیب‌ها و تهدیدها است که جنبش‌های اجتماعی نیز از همین یأس‌ها استفاده می‌نماید و یا حتی جرائم امنیتی و جاسوسی نیز در اثر همین مسائل اجتماعی و سرخوردگی‌های شکل می‌گیرند. با توجه به آنچه ذکر شد، بر اساس روش آینده‌پژوهی دلفی تأثیر ریشه‌ها و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی با محوریت نقش جنبش‌های اجتماعی در امنیتی شدن بحران‌ها در دهه آینده ج.ا.ا. (تا ۱۴۱۰) از منظر مصاحبه‌شوندگان و با بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله مراتبی ضریب وقوع و اثرگذاری هریک اولویت‌بندی شدند که به ترتیب عبارتند از:

در حوزه بحران‌های اجتماعی: فرسایش سرمایه اجتماعی، تضاد طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی، شکاف نسلی در ایران، تقابل سنت‌گرایی و مدرنیزاسیون، تحریکات گروه‌ها و قومیت‌ها. عوامل مذکور با پیوندی که با موارد مرتبط با جنبش‌های اجتماعی ازجمله اشکال بطنی نظیر تغییر سبک زندگی و دیدگاه و زیست سنتی، موج‌سواری بر بحران‌های اجتماعی، بزرگ‌نمایی و تأثیر بر افکار عمومی جامعه، تحریک و ایجاد تسریع در منازعات مختلف و ایفای نقش کاتالیزور در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی، دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های مشخصی ازجمله رؤیت‌ناپذیری، شبکه‌ای بودن، استفاده از تمامی فضاهای خلأ و به‌ظاهر غیر مهم برای تحت اشراف و کنترل قرار دادن تمامی فضاها، مصادره گفت‌وگو، رسانه‌ای بودن، تأکید بر ناکارآمدی و نبود مشروعیت نظام سیاسی و فرصت ندادن به دولت برای پاسخگویی به خواست‌های اجتماعی پیدا می‌کنند، سمت‌وسوی جنبش‌ها را در نوع تغییر، شیوه بازیگران، کارکرد دولت و نحوه مقابله با آن می‌تواند امنیتی نماید و درنهایت منجر به تبدیل به بحران‌های امنیتی شوند.

منابع:

- اسملسر، نیل، (۱۳۸۰)، *تئوری رفتار جمعی*، ترجمه رضا دژاکام، تهران، انتشارات موسسه یافته‌های نوین.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- امین، تی.کی (۱۳۸۶)، *جنبش‌های اجتماعی جدید*، ترجمه احمدلو، تهران، انتشارات گلن.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی.
- برچر، مایکل، (۱۳۸۲)، *بحران در سیاست جهان*، ترجمه حیدرعلی بلوچی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۴)، *مدیریت بحران؛ نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*، تهران، فرهنگ گفتمان.
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۹۱)، *لایه‌های جنبشی جامعه ایران، دو جنبش کلان و ده جنبش خرده اجتماعی*، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۷، ش ۴ صص: ۷۱-۸۹.
- حشمت زاده، محمداقبر، نوذری، اسماعیل، (۱۳۹۲)، *بازخوانی نظریه جنبش اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل و شناخت بسیج جنبش‌های اسلامی*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم، صص: ۲۱۳-۲۴۸.
- خلفانی، مهدی، قربان پور، سمیه، (۱۳۹۰)، *شبکه‌ای شدن مدنی در فضای سایبری و تأثیر آن بر جنبش‌های نوین اجتماعی در خاورمیانه*، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص: ۴۳-۷۰.
- دانش نیا، فرهاد و حسینی، طیبه السادات (۱۳۹۴)، *جهانی‌شدن و تحول ماهیت جنبش‌های اجتماعی در جوامع غربی*، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی، س ۶، ش ۱۶ صص: ۵۳-۷۰.
- ربیعی، علی، (۱۳۸۷)، *رسانه‌های نوین و بحران هویت*، فصلنامه مطالعات ملی، س ۹، ش ۴ صص: ۲۷-۳۹.
- رتیزر، جرج، (۱۳۸۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات علمی.
- رضاپور قوشچی، محمد و نادری، محمود، (۱۳۹۳)، *جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها*، فصلنامه و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۵، ش ۱۴ صص: ۴۱-

۵۶.

- رفیع، حسین و دیگران، (۱۳۹۲)، جنبش‌های اجتماعی جدید، جهانی‌شدن و اینترنت؛ مطالعه موردی: جنبش وال استریت، فصلنامه دانش سیاسی، س ۱۲، ش ۱ صص: ۳۶-۴۹.
- ساندرز، دیوید، (۱۳۸۰)، الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، مترجم: حمید امانت، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ساوه دروی، مصطفی، (بهار ۱۳۹۵)، بحران‌های اجتماعی در ایران، علل و زمینه‌ها، بهار ۱۳۹۵ - تهران، مصطفی ساوه درودی، مرتضی غلامرضا زاده، فصل‌نامه امنیت پژوهی، صص ۲۵-۳۸.
- شفیع، جمال، (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۲۱، صص ۶۴۳-۶۶۰.
- شهرام نیا، امیرمسعود، (۱۳۹۳)، بررسی جنبش‌های خاورمیانه به‌مثابه جنبش‌های اجتماعی جدید (فرصت‌ها، تهدیدها)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱، بهار ۱۳۹۳ صص: ۱۱-۲۵.
- شفیع، جلال (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی در ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۶، ش ۳ صص: ۱۷-۲۹.
- شهرام نیا، امیر مسعود، (۱۳۹۲)، جهانی‌شدن دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱، ش ۳ صص: ۴۲-۵۹.
- عاشوری، ذبیح‌الله، حسینی، سیدمحمد رضا، (تابستان ۱۳۹۲)، کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی در بررسی اطلاعاتی سازمان‌های حفاظت اطلاعات ن.م، فصلنامه امنیت پژوهی، شماره صص: ۱۳-۲۵.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۸)، خیزش اجتماعی و خشونت سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فتحی، سروش و مطلق، معصومه، (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات)، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، دوره ۲، ش ۵ صص: ۲۱-۳۴.
- قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن؛ جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۱۰ صص: ۹۱-۱۱۷.
- قاسمی، علی‌اصغر، (۱۳۹۳)، تبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی و وحدت ملی در ایران، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۶، صص ۲۱۲-۱۶۵.
- کلاهیچیان، محمود، (۱۳۹۱)، بحران‌های اجتماعی ایران، تهران، مرکز مطالعات راهبردی.

- گران پایه، بهروز، (۱۳۹۳)، جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت، فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، س ۱، ش ۲ صص: ۷۲-۸۵.
- گودین، جف و جاسپیر، جیمز، (۱۳۹۳)، جنبش‌های اجتماعی: مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی، مترجمان: سعید حاجی ناصری و فریدالدین حسینی مرام، تهران، نشر میزان.
- مرسل، فاطمه و نظری، علی (۱۳۹۵)، شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل انسجام اجتماعی در ایران: تحلیل اهداف سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، پنجمین اجلاس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق، (۱۳۹۰)، بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، ش ۲ صص: ۱۰۱-۱۱۹.
- معیدفر، سعید، (۱۳۹۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۸۰-۵۵.
- نصرتی نژاد، فرهاد، (۱۳۹۳)، ارتباطات، جهانی‌شدن و جنبش‌های اجتماعی (نگاهی اجمالی به جنبش اصلاح‌طلبی در ایران)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، س ۴، ش ۱۴ صص: ۶۳-۷۹.
- نیاکوبی، امیر، (۱۳۹۱)، تبیین چیستی پدیده دوم خرداد با بهره‌گیری از ادبیات جنبش‌های اجتماعی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره دوم، صص ۲۰۵-۳۱۴.
- نقوی، سید حسن (۱۳۸۶)، جنبش‌های اجتماعی جدید در عصر جهانی‌شدن و تأثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران، فصلنامه دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۷ صص: ۱۹-۲۸.
- هزارجریبی، جعفر، امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره سوم، صفحات ۴۸۶-۵۰۳.
- مصاحبه با دکتر حمیدرضا جلالی پور (دانشیار دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، (۱۳۹۱/۱۰/۰۶)، چیستی جامعه‌شناسی مردم‌دار، انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال هفتم، شماره ۲۳.
- گزارش پژوهشی: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم، (روز شنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۲۳)، نشست تخصصی با موضوع بررسی ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶
- (ب) منابع لاتین
 - Andrews, K.T. & Biggs, M, (2007), **The Dynamics of Protest Diffusion: Movement Organizations, Social Networks, and News Media in the 1960 Sit-Ins**, American Sociological Review, 71, 752-777.
 - Brown, Michael E. (ed.) (1996), **The International Dimensions of Internal Conflict**.

Cambridge, Massachusetts & London: The MIT Press.

- Cleveland, JOHN W. (2003), **Does The New Middle Class Lead Today's Social Movements?**, Critical Sociology, Volume 29, Issue 2 Also Available Online, Koninklijke Brill NV, Leiden
- Della Porta, Donatella and Diani Mario. (2006), **Social Movements**, second edition ed, Blackwell Publishers.
- Diani, M., (1992), **The concept of a social Movement**, The Sociological Review, 40, 1-25.
- Durkheim Emile, (1952), **a study in sociology**, London, Routledge & Kegan Paul.
- H. A. (1995), **The cultural Analysis of Social Movements**, In Johnston, Hank and Klandermans, Bert. University of Minnesota Press.
- Habermas, Jurgen (1996), **Theory and Practice**, by Jhon Viertel, Cambridge: Polity Press. Holsti Oler (1972) Crisis, Escalation, War.
- Hermann, Charles. (1969). **Threat, Time and Surprise: A Simulation of International Crisis**, New York: Free Press.
- Lopez, Amandha (2014). **The Impact of Social Media on Social Movements: The New Opportunity and Mobilizing Structure**, Creighton University.
- Merton, Robert king, (1968), **social theory and social structure**, New York, Free press.
- Paraskevas, A. (2006), **Crisis management or crisis response system? A complexity science approach to organizational crises**, Management Decision, vol. 44, no. 7, pp. 892-907, October, ISSN 0025-1747
- Pareto vilfredo, (1993), **The Rise and Fall of Elites, An Application of Theoretical sociology**, Transaction Publishers.
- R.Slaughter, (2005), **Knowledge base of futures studies: Glossary of Futures Terms**, www.Foresightinternational.com.au.
- Toby J. Kash, John R. Darling, (1998), **Crisis management: prevention, diagnosis and intervention**, Leadership & Organization Development Journal, Vol. 19 Iss: 4, pp. 179 – 186.
- Turner, S. P. & Facor, R. A. (1998) **Weber, Max**, In **Routledge Encyclopedia of Philosophy**, London and New York: Routledge.
- Wit, K. V. Den Bos & M. S. Stroebe (Eds), (2016), **The Scope of Social Psychology, Theory and Applications**, Hove and New York: Psychology Press, 43-64.
- Wilson. J. (1973), Introduction to Social Movement, NY: basiro. K. 1973:8-14.

